

حسین اطمینان

در سالن را که باز کردم همه جا تاریک بود و «آرش دادگر» با ویدئو پروژکتور، یکی از تئاترهایش را بر روی پرده پخش می‌کرد. همزمان با پخش تئاتر «بازگشت افتخار امیر مردان جنگ» بر روی پرده، او توضیحاتی هم ارائه می‌کرد و از حضاران می‌خواست که در بحث مشارکت کنند. چند سالی است که بحث آموزش تئاتر در سیرجان جدی گرفته شده و موسسه معراج اندیشه و روابط عمومی گل گهر کارگاه‌هایی مرتبط با نمایشنامه‌نویسی، کارگردانی و بازیگری برگزار می‌کنند. این بار هم دومین کارگاه کارگردانی تئاتر با حضور کارگردانان شهرستان سیرجان و ۱۰ نفر از کارگردانان استان کرمان برگزار شد. شنبه شب پس از برگزاری کارگاه با آرش دادگر به گفتگو پرداختیم و این کارگردان نام آشنا و مدرس دانشگاه علی‌رغم خستگی به سوال‌ها پاسخ گفت.

سیرجان از تئاترها استقبال خوبی دارد.

برای حفظ این مخاطب چه باید کرد؟ وقتی یک کالا تبدیل به یک برند می‌شود، که خریدار راضی باشد. کیفیت همیشه حرف اول است و کمیت هم مهم است. مخاطب باید در نظر گرفته شود. مخاطب باید احساس کند هزینه‌ای که می‌دهد دور ریخته نمی‌شود و مایل باشد که تئاتر یک بسته فرهنگی است، سوسپیدی است که به مخاطب داده می‌شود و برای این است که سطحی از لذت و تجربه را بدست بیاورد که در جای دیگر بدست نمی‌آید. تماشاگر می‌تواند انتخاب کند وقتی تعداد اجراهای عمومی بیشتر باشد مثلاً در یک شب چهار کار در حال اجرا باشد آن وقت تماشاگر می‌تواند تشخیص دهد که کیفیت بهتر است و حق انتخاب دارد. برای اینکه تماشاگر را به سالن تئاتر بیاوریم باید یک سری پیشنهاد داشته باشیم. ما باید امکانات پیرامون تئاتر را برای مخاطب فراهم کنیم. مثلاً سالنی که داریم لابی خیلی خوبی داشته باشد. در لابی اگر مخاطب یک ساعت زود بیاید بتواند استراحت کند، قهوه‌اش را بخورد و مکانی برای گفتگو باشد که فرد حس کند به یک جای فرهنگی آمده است. در این صورت دوست دارد دوباره هم این حس را تجربه کند. اگر این تفاوت ایجاد شود تماشاچی حفظ می‌شود. در سالن سینما بیننده می‌تواند خوردنی همراهش بیاورد و بخورد ولی در سالن تئاتر نمی‌تواند. پس باید یک کار دیگر بکنیم که مخاطب بیاید. مثلاً نباید فقط یک ساختمان لخت و عور بگذاریم. باید شبیه پارک باشد و سالن درون یک محوطه

سبز باشد. وقتی ما این فضا را فراهم کردیم آن وقت مخاطب می‌رود به دیگری هم می‌گوید. تا زمانی که سالن‌های تئاتر فقط جایی است کارکرد دیگری هم دارند مثلاً کنسرت در آنها برگزار می‌شود، مراسم تودیع و معارفه می‌گیرند و نباید توقع داشت مخاطب حفظ شود.

کیفیت خود تئاتر هم در حفظ مخاطب موثر است.

یک تئاتری برای چه باید بیاید تئاتر اجرا کند؟ پولش می‌دهیم؟ زندگی‌اش را تملین می‌کنیم؟ آسایش می‌دهیم؟ بیمه کردیم؟ نه، ولی هنرمند می‌آید و کارش را انجام می‌دهد. باید به نسبت توانایی و امکانات موجود نگاهش بکنیم. ما همیشه می‌گوییم چرا تو بهتر نیستی؟ آیا امکانات به او داده‌ایم؟ مکان مناسب در اختیارش گذاشته‌ایم؟ سالن تمرین در اختیار دارد؟ متأسفانه مسئولان تئاتر این هستند که در این اتاق‌ها شما چه کار می‌کنید. مسئولان هنری استان کرمان هم که همیشه نگران افراد هستند که چه کار می‌کنند. وقتی اعتمادی وجود ندارد و امکاناتی فراهم نیست، چه باید کرد؟ من سال ۸۹، چهار روز کرمان بودم. از سال ۸۹ تا الان که برگشتم هیچ فرقی نکرده است. تئاتر کرمان روز به روز عقب رفته چون برنامه‌های پریش نیست. ولی جالب است که می‌بینم در سیرجان از سال ۹۲ تا الان ویرک‌شاه‌های چندروزه و کلاس‌های آموزشی چندماهه در آن برگزار می‌شود.

مگر سیرجان مرکز استان است؟ مگر بر جمعیت است؟ نه این یک آینده‌نگری است که مسئولان و هنرمندان دارند.

شاید در سیرجان لزوم آموزش را درک کرده‌اند.

بله. آموزش باعث می‌شود تو گسترده‌تر بشوی. به چیزی تبدیل بشوی که قبل از آن نبود. بعضی وقت‌ها خیلی‌ها از آموزش می‌ترسند چون تو آگه‌تر می‌شوی. قبل از انقلاب حکومت پهلوی از معلمی می‌ترسید که می‌گفتند محیط پیرامون تان را آگه کنید. به آن معلم لگ تودای می‌زدند. اما آن معلم فقط آگه می‌کرد. آموزش چیز وحشتناکی نیست. باعث می‌شود مردم سطح زندگی‌شان را بالا ببرند.



حضور «آرش دادگر»، کارگردان و مدرس تئاتر در کارگاه آموزشی کارگردانی تئاتر سیرجان / عکس: امین ارجمند

آرش دادگر کارگردان و مدرس تئاتر در گفت‌وگو با پاسارگاد:

تئاتر کرمان عقب رفته است

آرش دادگر کارگردان و مدرس تئاتر برای برگزاری یک کارگاه کارگردانی تئاتر به سیرجان آمد

تئاتر هم همین است. تئاتر باعث می‌شود سطح خواسته‌هایت را بالا ببری و تلاش کنی برای انسان بودن و ارتباط برقرار کردن و کنترل کردن خودت. **نیاز به آموزش چقدر حس می‌شود؟** آموزش تزریق یک آمپول نیست آموزش باید در ما نشست کند و بعد غلیان کند و دنیای ما را در بر بگیرد. فرد یکسال بعد متوجه می‌شود چیزی که یاد گرفته بودم اینجا جواب داده است. آموزش بانک اطلاعاتی نیست. آموزش باید مداوم باشد. اگر به جای این که شبی یک نمایش در این شهر اجرا شود شبی ده نمایش اجرا شود. یعنی تماشاگر داریم و حتی از شهرهای دیگر هم می‌آید. **تئاتر سیرجان در بحث آموزش با بقیه**

شهرها متفاوت است؟ مثل همه ایران هیچ فرقی نمی‌کند. **بعضی کارگردانان پس از آنکه دو سه کار را روی صحنه می‌زنند فکر می‌کنند می‌توانند تدریس کنند. آیا این موضوع صحیح است؟** تدریس یک امر مقطعی نیست. وقتی شما مدرس هستید می‌توانید سال‌ها تدریس کنید. تدریس این نیست که شما تجربه خودتان، داشته‌های خودتان را به یکی منتقل کنید. این شیوه قدیم مکتبخانه است که من انتقال سینه به سینه می‌کنم. وقتی من مدرس این یک علم است یک اصول آکادمیک دارد. پایه دارد، باید مراحل

را برای رسیدن به تدریس طی کرد. باید تا یک جایی که توان آموزشی هست ادامه داد و بعد از یک مقطعی هنرجو را رها کنی و اعلام کنی با کس دیگری ادامه بدهد. ولی وقتی کارگردان تصمیم بگیرد تدریس کند همان مقدار دانشی را که از تجربه بدست آورده انتقال می‌دهد که آکادمیک نیست و ممکن است بازیگر اشتباه بار بیاید و با ممکن است چند دستگی بوجود بیاید. اگر این کارگردانان هنرجو بپذیرند و هنرجو بازیگری صحیح آموزش نیندند، باید از اول شروع کند. **هنرجواز کجا بفهمد که کجا باید برود و پیش کی آموزش ببیند؟** وزارت ارشاد به آموزشگاهها مجوز می‌دهد و

باید به آموزشگاهها اشراف داشته باشند. باید بازرسی بفرستند البته بازرسی که بلد باشد. فرد باید بداند که آموزشگاهها برای سود کردن نیستند. هنرجو باید برود از طریق اداره‌های ارشاد بپرسد که وضعیت یک آموزشگاه چه‌جوری است. آموزشگاهها باید زنگینگ داشته باشند و درجه‌بندی بشود. اگر آموزش بد باشد، درجه آنها کم بشود. همانطور که تمام دنیا این کار را انجام می‌دهد. شما وقتی خواهید یک مدرسه را انتخاب کنید کلی تحقیق می‌کنید برای این کار هم همینطور است. مسئولان آموزشگاه هم باید به مدرسه‌ها پول بدهند تا مدرسه‌های خوب بیایند.

همان طور که خودتان هم

اشاره کردید در چند سال اخیر کارگاه‌های زیادی در سیرجان برگزار شده است. از دید شما این کارگاه‌ها چقدر موثر هستند؟ در این کارگاهها مدرسه‌ها تجربه دانشی را که دارند منتقل می‌کنند. اسماعیل فصیح در جایی گفته‌اند در دانشگاه «رئیس همیگویی» سخنرانی می‌کرد و من نزدیک‌ترین فرد به همیگویی بودم. ایشان پرسید تو اهل کجایی و من گفتم ایران. همیگویی کلی از ایران تعریف کرد و همان گفت‌وگو سخنرانی همیگویی، فصیح را تبدیل کرد به یک نویسنده معتبر. بستگی به خودتان دارد که چقدر از کلاس برداشت می‌کنید یا در این گونه کلاس‌ها دقت داشته باشیم و البته باید بعد از کلاس تلاش کرد.

بعضی‌ها خودشان را از آموزش بی‌نیاز می‌دانند. مشکل خودشان است. من نمی‌توانم پس کله کسی را بگیرم که بیاید و آموزش ببیند. البته کسانی که آموزش دیدند باید کار تولید کنند. آنها باید کاری کنند که تماشاگر بگوید این کار بهتر است. تا آن یکی که آموزش ندیده از گروه خارج شود. آموزش به شما یاد نمی‌دهد چکار کنید یاد می‌دهد چگونه یک کار را انجام دهید. **برای آموزش تئاتر مشخصاً چه می‌توان**

کرد. من علاقه‌مندم و می‌خواهم وارد عرصه تئاتر بشوم چه‌بکنم؟

در اروپا مدارس تئاتر هستند. مدارس که ربطی به هنرستان و دبیرستان ندارد. مدرسه تئاتر دوساله تو را تعلیم می‌دهد. وقتی این مدارس را نداریم همه چیز نصفه و نیمه می‌شود. اگر علاقه‌مند هستید باید هزینه کنید. دولت می‌گوید من علاقه‌ای ندارم که به تئاتر بیاید. اضافه شود. خودت باید بلند شوی و به جایی بروی که درست آموزش می‌دهند. البته هیچ کس تضمین نمی‌دهد که در تئاتر حرفه‌ای موفق باشی.

در کشورهای توسعه‌یافته برای آموزش تئاتر از کودکی برنامه‌ریزی شده است و استعدادیابی می‌شود. این نیاز در ایران وجود ندارد؟

الان قاعدتاً من باید اینجوری جواب بدهم: «آموزش به کودکان یک امر بسیار واجب است که باید اتفاق بیفتد و مدیران ما سعی کردند آموزش کودکان را سرلوحه کار خود قرار دهند» ولی این نیست. وقتی نیست یعنی نمی‌خواهیم نسلی را بسازیم که مطالبه‌گر باشد. ما نمی‌خواهیم نسلی شاد باشد و کودکی کند. استعدادها هم مسلماً کشف نمی‌شوند. البته باید برای استعدادها هم برنامه داشته باشیم که بعد از کشف از بین نروند. مثلاً ما یک سنگ‌نورد داشتیم که سال گذشته در جهان اول شد ولی امسال سوم شد. زندگی استعدادها باید جوری باشد که کمتر درگیر مشکلات شوند و فقط به همان کار بپردازند.

فکر می‌کنم به اقتصاد تئاتر اشاره کردید.

ما اصلاً اقتصاد تئاتر نداریم. اگر بخش خصوصی هم وارد شده نظارت خیلی زیادی روی آن است. ما تئاتر مان دولتی است. بخش خصوصی هم خصوصی است. **نپود اقتصاد به تئاتر صدمه می‌زند؟** خیلی چیزها هستند که به تئاتر ضربه می‌زنند. تئاتر ما عین پزشکی است که در حال مردن است ما می‌شوگ وارد می‌کنیم که زنده بماند. دچار مرگ مغزی شده است به نظر می‌رسد زنده است ولی حیات ندارد. **امیدی به آینده هست؟** امید آخرین گزینه است. مادر عین بی‌چیزی به امید وصل می‌شویم. امید یک قوت قلب است که به خودمان می‌دهیم. ولی می‌توانیم بگوییم نسل‌ها می‌توانند تغییر دهند شاید نسل جدید دلیرتر و فیهی‌تر باشد.

جناب آقایان حاج نظام، امیر و عباس پور کیانی
مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض می‌نماییم. ما را در غم خود شریک بدانید.
رضا و رحیم رئیسی زاده

خانواده محترم پور کیانی
درگذشت والده گرامی‌تان را خدمت شما و خانواده محتره‌تان تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند منان برای آن مرحومه طلب مغفرت و برای شما مبر الهی خواستاریم.
ناصر رئیسی زاده

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین (ع)
إن الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه
یاد و خاطره پدر بزرگوار و عزیزمان
حاج محمد ابراهیم ناجی

را در پنجمین سالگرد عروجش گرامی می‌داریم.
خانواده

جناب آقای محسن پور کیانی

با نهایت تأسف، درگذشت والده گرامیتان را خدمت شما و خانواده محتره‌تان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحومه غفران الهی و برای شما مبر واسعوی الهی خواستاریم.
مدیریت و کارکنان مخابرات شهرستان سیرجان

بنیاد حضرت مهدی موعود (عج) سیرجان
رسول مهربانی‌ها حضرت محمد (ص):
هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

اوست پایدار
یک سال است که دلتنگی‌های غروب را با بودن در کنار مزارش سپری می‌کنیم و در نهایت ناباوری، باورمان شده که او دیگر نیست، دیگر نمی‌آید و دیگر نباید منتظرش باشیم.

به مناسبت اولین سالگرد درگذشت پدر بزرگوارمان جلال‌الدین پارسا

مراسم یادبودی روز چهارشنبه ۱۶ آبان ماه از ساعت ۳ الی ۴ بعدازظهر در جوار آرامگاه ابدی‌اش در بهشت زهرا قطعه ۹ برگزار می‌گردد و با قرائت فاتحه‌ای یاد و خاطرش را گرامی می‌داریم.
همسر و فرزندان آن مرحوم

فرارسیدن ایام سالگرد وفات حضرت محمد (ص) و شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی (ع) و شهادت غریبانه هشتمین پیشوای معصوم، حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) بر تمامی مسلمان تسلیت باد.

السلام علیک یا ابا محمد مجتبی

روابط عمومی شرکت **ذخیم آوران**
مسئولیت و معدن گل گهر، سبهای خام